

گفتار ● حسن امیدوار ●

عدالت اجتماعی، مطالبه اصلی کارگران است

واقعیت این است که هیچ کشوری نمی‌تواند مسیر توسعه را بدون مشارکت کارگران و بدون انجام کار، طی کند. اما در ایران روز کارگر را در شرایطی گرامی می‌داریم که متأسفانه کارگران به‌همراه سایر طبقات فرودست، در وضعیت نامطلوبی به‌سر می‌برند و شاهدند که چگونه طبقات مرفه، فربه‌تر از هر زمان دیگر می‌شوند. شرایط اقتصادی کشور پیچیده است و اگر تدبیری اندیشیده نشود، قشر کارگر که بازوان توانای هر کشور برای رشد و شکوفایی هستند سفره‌شان خالی‌تر می‌شود.

انسجام اجتماعی، محصول درک متقابل و همدلانه همه طبقات از یکدیگر است. شرایط و شکل هرم طبقاتی کشور، نشان‌دهنده گسست فراوان میان طبقه کارگر و طبقات مرفه است. این امر می‌تواند به‌عنوان یک تهدید، صلح و امنیت کشور را هدف قرار دهد. ذات اقتصاد رانتی و رفاقتی نیز باعث کاهش رابطه دوستانه انسان‌ها با یکدیگر، همچنین رابطه غیردوستانه طبقات اجتماعی شده است.

به نظر می‌رسد ترسیم برخی برنامه‌ها و نقشه‌های راه طراحی‌شده، بخش‌های کوچکی از جامعه را در منطقه امن اقتصادی قرار داده است و از طرف دیگر بخش‌های دیگر جامعه و سایر لایه‌ها، مخصوصا طبقات اجتماعی کم‌درآمد را در حاشیه منطقه امن اقتصادی تعریف کرده‌اند، این نقشه راه نشان می‌دهد دغدغه‌های برخی اقشار با دغدغه‌های کارگران فاصله دارد. در نتیجه، جامعه ایران امروز به علت عدم توجه به گروه‌های مهم اجتماعی، همچون کارگران و معلمان، یک جامعه نیازمند توجه فوری است. بیش از ۷۰درصد جمعیت کشور به‌دلیل برخورداری اندک، در حاشیه فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی کشور زندگی می‌کنند، یعنی جمعیت حاشیه‌ای از جمعیت متن، فزونی یافته است. دولت باید بپذیرد وظیفه دارد از گروه‌های کم‌درآمد و فاقد درآمد کشور حمایت کند و آن را حق آنان بداند، اما نه تحت عنوان صدقه و اعانه و سیدکالا، بلکه برنامه‌های رفاهی و حمایتی جامع خود را تنظیم و ارائه کند.

وظیفه جامعه‌شناسی بررسی و مطالعه گروه‌های انسانی است. مطالعه کار و درگیری اقتصادی میان کار و سرمایه و مسائل مربوط به کار و روابط بیرونی این فعالیت‌ها، همچنین روابط درونی افرادی که این گروه‌ها را تشکیل می‌دهند نیز در حوزه جامعه‌شناسی کار قرار دارد، از این رو جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن کاملاً به یکدیگر مرتبط و وابسته‌اند، بنابراین مطالعه نهادهای اقتصادی در جامعه‌شناسی کار دارای اهمیت زیادی است، زیرا اقتصاد بر سایر بخش‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. وضعیت اقتصادی و تأمین معیشت تأثیر بنیادی بر زندگی انسان‌ها دارد، از این رو، مسئولان ذی‌ربط باید توجه کنند که تغییرات در موقعیت اقتصادی کارگران نیز به‌شدت بر همه انواع نابرابری‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. برخی شعارها پیمایی با خوددارد و بیانگر آن است که سیستم حقوقی برای مدیریت اختلافات، فاقد توان پاسخ‌گویی به مطالبات است. این احساس می‌تواند نشانه تهدید روحی کارگران باشد. به همین دلیل مطالعه جامعه‌شناختی اعتراضات جامعه کارگری می‌تواند حائز اهمیت فراوان باشد. شواهد متعدد میدانی نشان می‌دهد که سه دهک پایین جامعه که شامل بخش‌های وسیعی از کارگران هستند، برای تأمین نیازهای اولیه زندگی و خانواده‌شان نیاز به پیشبرد عدالت اجتماعی دارند. چراکه سیاست‌های نهادهای اقتصادی کشور و عملکرد آن‌ها به‌ندرت تأثیر موردنظر را بر بهبود زندگی و رفاه جامعه به‌خصوص جامعه کارگری به‌دنبال داشته است. کارگران شعار نمی‌خواهند، آن‌ها به توجه مفید نیاز دارند، یعنی بهبود زندگی و رفاه وشرایط کار باید به‌طور جدی موردتوجه قرار گیرد.

دبیر گروه صلح انجمن جامعه‌شناسی ایران

حتی یک شغل ایرانی هم به یک خارجی تعارف شود، حرام است

محمد شریعتمداری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مراسمی که دوشنبه نهم اردیبهشت‌ماه به مناسبت روز شوراها و در راستای گرامیداشت هفته کارگر در سالن ۱۷ شهرویر وزارت کار برگزار شد، گفت: «در جلسه‌ای که به مناسبت هفته کارگر در حضور مقام معظم رهبری داشتیم، ایشان بر تکمیر کار و کارگران و جنبه‌های معنوی این موضوعات و ضرورت پرداختن به آن‌ها اشاره کردند». وزیر تعاون با تأکید بر اهمیت حمایت از تولید داخلی، ادامه داد: «در کشوری که رهبرش؛ محور را بر تولید قرار می‌دهد، اگر حتی یک شغل ایرانی هم به یک خارجی تعارف شود، حرام است. ما باید پای کار بایستیم و صبوری کنیم تا به تولید انبوه برسیم.»

ملی‌گش

پرسه‌ای در اندیشه‌ها و نظریه‌ها

۱۰ | کتینه‌و

در نشست «کارگران و مطالبات مسالمت‌آمیز» مطرح شد

سخن گفتن «با کارگر»، نه «درباره کارگر»



باید کنار کارگران ایستاد

شده ما گرفتار ذهن‌گرایی فردی یا ذهنیت هگلی شویم و فکر کنیم که کنش فلسفی انجام می‌دهیم، فلسفه، ما را از سیاست دور می‌کند و به وادی اندیشیدن به امور انتزاعی می‌برد، در حالی که وظیفه سیاست، زنده‌کردن حوزه عمومی و پرداختن به مسائل عام انسانی است. مسائلی که خود‌فی‌نفسه هدف بوده و از جنس عدالت‌و آزادی هستند. «آرنت» معتقد است، مادر عصر مدرن، جهانیت را از بین برده‌ایم و دیگر قصه مشترکی نداریم. «هانا آرنت» در پاسخ به اینکه انسان چگونه می‌تواند مشکل دنیای مدرن را حل کند، در مورد دو حیات می‌گوید: حیات تأملی و حیات فعال. در اینجا به بحث حیات تأملی نمی‌پردازیم، اما در حیات فعال، سه کار انجام می‌دهیم که دوتای آن، همان آسیب‌های عصر مدرن و دیگری راه‌حل ماست. «آرنت» در مفهوم‌سازی از حیات عمل، از سه قلمرو سخن می‌گوید: زحمت (Labor)، کار (Work) و عمل (Action). از دیدگاه او، در قلمرو زحمت، انسان فقط به‌دنبال تأمین نیازهای زیستی خود است. از نگاه آرنت و مارکس، مفهوم‌سازی‌کردن از کارگر به‌مثابه یک آدم زحمت‌کش، خارج کردن او از جامعه است. اما قلمرو کار، ما را به انسان سازنده بدل می‌کند. قلمرو عمل نیز قلمرو سیاست است که ما را به انسان قصه‌گو تبدیل می‌کند.

سیاسی است. ما یک مشکل در جامعه داریم و آن سیاست است و تا مشکل سیاست حل نشود، کاری پیش نخواهد رفت. اگر راه‌حل مشکل، سیاسی بود، اما شما مسئله را به‌گونه‌ای صورت‌بندی کردید که سیاست منتفی شد، یعنی در بازی قدرت موجود افتاده‌اید و من نام آن را «خانه‌داری جمعی و مرگ سیاست» گذاشته‌ام. اصطلاح خانه‌داری جمعی، اصطلاح «هانا آرنت» است و ادامه بحث من نیز به نقل از او خواهد بود. «آرنت» برای مدرنیته سه مؤلفه قائل بود: اول اینکه مدرنیته جهانیت را از ما می‌گیرد؛ جهانیت یعنی دوری کردن در خصوص زندگی از طریق قصه‌گویی. مؤلفه دوم، این است که ما خانه را به‌جای سیاست نشانده‌ایم. به‌طور مثال، در جامعه‌شناسی درباره مسائل مربوط به حوزه خصوصی و خانه مثل درآمد، شغل، مسکن و... بحث می‌کنیم. نقد اصلی «هانا آرنت» نیز به علم و اجتماع و به جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی است. او می‌گوید، ما مسائل مربوط به خانه را به مسائل اصلی جامعه تبدیل و سیاست را تابعی از اقتصاد کرده‌ایم، در حالی که سیاست، قصه‌گویی و روایتگری، آغازگری و زنده‌بودن است، اما مدرنیته توان آغازگری و کنش‌های پیش‌بینی‌ناپذیر ما را از بین برده است. «آرنت» درباره مؤلفه سوم هم می‌گوید، مدرنیته سبب

گفتار ● مصطفی مهرآیین ●

امروز درباره موضوعی صحبت می‌کنیم که نمی‌تواند از خودش حرف بزند، در حالی که سخن گفتن باید «با کارگر» باشد، نه «درباره کارگر». این اسلوب، غلط است و بحث من، نقد همین اسلوب خواهد بود. «گابریل مارسل»، مقاله‌ای در خصوص حرف اضافه «با» دارد که می‌گوید زندگی، «زندگی با» است. ما در هستی، «هستی با» هستیم. او به نقل از «هایدگر» می‌گوید، ما همه در هستی، مشترک و در کنار یکدیگر هستیم. بنابراین امروز ما هم باید در کنار کارگران بایستیم.

امروز باید درباره کلمه مطالبات بحث کنیم، اما اصولاً این شیوه طرح مسئله از بیخ و بن غلط است. وقتی شما کارگر را به مجموعه‌ای از مطالبات و خواسته‌ها تبدیل می‌کنید یا فقط وضعیت اسفناک او را در قالب آمار و اعداد و ارقام ردیف می‌کنید –آنچه در جامعه‌شناسی متداول ما وجود دارد– عملاً به یک گفتمان اجرایی می‌افتید که گفتمان صاحبان قدرت است. در اینکه وضعیت کارگران یا سایر قشرهای جامعه ما اصلاً مطلوب نیست، شکی وجود ندارد، اما راه‌حل همه این مشکلات،

نقش زنان کارگر در تولیدپنهان مانده است

گفتار ● سیمین کاظمی ●

«کارگر» براساس قالب‌های ذهنی از پیش شکل گرفته، یک مفهوم مذکر تلقی می‌شود و نقش «زن کارگر» در تولید و فعالیت اقتصادی چه به‌لحاظ تاریخی و چه در دوره معاصر عموماً و عملاً پنهان مانده است. زنان با نحوه سازمان اشتغال که در آن تفکیک مشاغل بر مبنای جنسیت تقسیم شده، به بخش ثانویه بازار کار رانده شده‌اند که متشکل است از مشاغل با درآمد کم، ارزش و منزلت پایین و مهارت اندک. تفکیک مشاغل بر اساس جنس و رانده‌شدن زنان به بخش ثانویه اقتصاد، محصول هم‌دستی و پیوند نظام پدرسالاری و سرمایه‌داری است. در نظام پدرسالاری که بر سرمایه‌داری تقدم تاریخی دارد، مردان، در خانواده به عنوان یک نهاد اقتصادی نظارت و کنترل داشتند. سرمایه‌داری گرچه بنیاد اقتصادی پدرسالاری را نابود کرد اما نتوانست پدرسالاری را از میان بردارد. در واقع با ظهور سرمایه‌داری و با آغاز جدایی بین حوزه عمومی و حوزه خصوصی، نظام نظارتی مرد بر زن که تا پیش از آن در حوزه‌ای شخصی و خصوصی اعمال می‌شد، به میناجی نهادهای اجتماعی مثل دولت و دین به حوزه عمومی کشیده شد. تقسیم کار جنسیتی در روند تولید، سرمایه‌داری را راضی و منتفع می‌کند، چون دستمزد کمتری پرداخت می‌کند و شانه‌خالی کردن از زیر بار تعهداتش به نیروی کار امکان‌پذیر



یکشنبه ● ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ ● شماره صد و نود و نه

A T I Y E H N O

از نظر آرنت، قلمرو زحمت، آغاز و پایان ندارد و یک فعالیت تکراری و همیشگی است و انسانی هم که فقط زحمت می‌کشد، پوچ و بی‌دنیاست، قصه ندارد و نمی‌تواند قصه‌گوی زندگی خود باشد، زیرا زندگی او چیزی جز بیهودگی نیست، وقتی ما کارگر را در سطح خوراک و مسکن و مانند آن می‌بینیم، او را به‌مثابه انسان بیهوده مفهوم‌سازی می‌کنیم. درست است که این‌ها مشکلات زندگی است، اما راه‌حل پرداختن به آن‌ها این است که ببینیم چرا این انسان نمی‌تواند برای خود جهان بسازد و قصه‌گوی زندگی خود باشد. او معتقد است، نباید قصه فقر را قصه سیاست کرد و کارگر را به انسان فقیر تقلیل داد. این همان چیزی است که «گابریل مارسل»، آن را آفت جهان مدرن می‌داند. از نظر «آرنت»، شرط ورود به حوزه عمومی، رهایی از این ضرورت‌هاست. درست است که در جامعه‌ما، جمعیت زیادی حاشیه‌نشین و فرودست وجود دارد، اما نباید صورت‌بندی ما به‌گونه‌ای باشد که همه آن‌ها را تابعی از ضرورت زیستی بدانیم. برای او، مرحله عمل یا مرحله قصه‌گویی یا سیاست، مهم‌ترین است و می‌گوید فقط در سیاست است که می‌توانیم بفهمیم معنای انسان بودن، چیست.

عضو هیئت‌علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

تشکل کارگران باید مستقل باشد

کنند، اما ما در نهایت همه این‌ها را به سازمان جهانی کار ارجاع خواهیم داد، زیرا معتقدیم تشکل کارگری باید مستقل باشد و بدون دخالت‌های غیرمنطقی فعالیت کند. زمانی که صحبت از مطالبه‌گری می‌شود، یعنی دستمزد عادلانه، یعنی ساعت کار عادلانه، یعنی بهداشت و ایمنی کار، یعنی قراردادهای کار دائم در مشاغلی که در طبیعت آن‌ها، کار مستمر است. تبصره «۲» ماده «۷» قانون کار، به‌طور دقیق حکایت از حاکمیت اراده کارگر در عقد قرارداد کار دارد، یعنی باید با توافق کارگر باشد مبنی بر اینکه یا مدت در قرارداد ذکر شود و قرارداد، موقت باشد یا بدون مدت و دائمی باشد. اما متأسفانه کارفرمایان تمایلی به انعقاد قرارداد کار دائم با کارگر ندارند. تا دهه ۹۵، ۷۰درصد قراردادهای کار دائم بود، اما متأسفانه امروز این معادله معکوس شده است، یعنی الان ۹۵درصد قراردادهای موقت یا مدت‌دار هستند. در حال حاضر، چاره این است که نهضت مطالبه‌گری برای عقد قراردادهای دائم کار شکل بگیرد و حاکمیت اراده کارگر در عقد قرارداد کار به رسمیت شناخته شود.

دبیر کانون هماهنگی شورا‌های اسلامی کار



گفتار ● حسن حبیبی ●

وقتی پای صحبت کارگران تحت‌پوشش قانون انتخابات شوراها بنشینید سختی کار ما به‌قدری بزرگ دیده می‌شود که کارگران از کاندیدا شدن وحشت می‌کنند، زیرا باید تعیین صلاحیت شده و از برخی فیلترها رد شویم و چون در قانون انتخابات فعلی، یک هیئت سه نفره مرکب از نماینده دولت، نماینده مجمع کارکنان و نماینده کارفرما تأیید صلاحیت‌ها را انجام می‌دهند. حتی سازمان جهانی کار نیز روی این ایراد بزرگ ما دست گذاشته و آن را یک آفت می‌داند. بر همین اساس، سال ۱۳۸۰ برابر اصل ۱۰۶ قانون اساسی، ما طرحی را برای اصلاح این موارد به مجلس دادیم. این نشان می‌دهد که تاکنون اراده‌ای برای اصلاح این مشکلات وجود نداشته، اما این بار، گویا نمایندگان به‌دنبال اصلاح این موارد هستند و آخرین کارگروه تخصصی درباره آن هم، دو هفته پیش تشکیل شد. البته باز هم برخی تلاش می‌کنند نظرات خود را تحمیل